

جداسازی و تعیین هویت سلول‌های بنیادی خونساز و مزانشیمی مشتق از بافت جفت انسانی

آزاده امید خدا^۱، سعید کاویانی^۲، مسعود سلیمانی^۳، مهین نیکوگفتار ظریف^۴، امیر آتشی^۵، ناصر احمدبیگی^۶،
مصطفی جمالی^۷، مژده نخلستانی^۷

چکیده

سابقه و هدف

فراوانی کم سلول‌های بنیادی خونساز در خون بند ناف، مهم‌ترین فاکتور محدود کننده استفاده از این منبع در پیوند می‌باشد. اگر بتوان سلول‌های بنیادی خونساز و مزانشیمی موجود در جفت را جداسازی و به همراه سلول‌های خون بند ناف پیوند کرد، مشکل فراوانی کم سلول‌ها به دلیل افزایش تعداد اولیه سلول‌های بنیادی خونساز پیوندی و نیز لانه‌گزینی این سلول‌ها به واسطه همراهی سلول‌های بنیادی مزانشیمی مرتفع خواهد شد. لذا در این مطالعه سعی شد که با استفاده از روش آنزیمی، حداکثر سلول بنیادی خونساز و مزانشیمی موجود در بافت جفت استحصال و خصوصیات این سلول‌ها بررسی شود.

مواد و روش‌ها

در یک مطالعه تجربی، تعداد ۵ نمونه بافت جفت مختلف را با آنزیم کلاژناز مجاور کرده و پس از حذف یاخته‌های سرخ آن با کمک بافر لیزکننده، سلول‌های باقی‌مانده از نظر وجود سلول‌های بنیادی خونساز و مزانشیمی بررسی شدند.

یافته‌ها

نتایج حکایت از آن داشت که $0.6 \pm 0.2\%$ سلول‌های استحصال شده، $CD34^+$ و $0.8 \pm 0.4\%$ $CD38^+CD34^+$ بودند. این سلول‌ها، انواع کلونی‌های خونساز را تشکیل دادند و از کشت سلول‌های حاصل از جفت، سلول‌های چسبنده استرومایی با ویژگی سلول‌های بنیادی مزانشیمی به دست آمد.

نتیجه‌گیری

وجود تعداد قابل توجه سلول‌های $CD34^+$ و مزانشیمی در بافت جفت، نشان می‌دهد که احتمالاً پیوند این سلول‌ها به همراه سلول‌های حاصل از خون بند ناف، در افزایش کیفیت پیوند مؤثر می‌باشد.

کلمات کلیدی: جفت، سلول‌های بنیادی خونساز، سلول‌های بنیادی مزانشیمی

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۴

۱- دانشجوی PhD خون‌شناسی و بانک خون - دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس - تهران - ایران

۲- مؤلف مسؤول: PhD خون‌شناسی - دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس - تهران - ایران - صندوق پستی: ۱۴۱۱۵-۳۳۱

۳- PhD خون‌شناسی - دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس - تهران - ایران

۴- PhD خون‌شناسی - استادیار مرکز تحقیقات انتقال خون - مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون - تهران - ایران

۵- PhD خون‌شناسی - پژوهشکده بیماری‌های گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی تهران - تهران - ایران

۶- متخصص آسیب‌شناسی - مرکز تحقیقات انتقال خون - مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون - تهران - ایران

۷- پزشک عمومی - مرکز تحقیقات انتقال خون - مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون - تهران - ایران

مقدمه

هر چند طی سال‌های گذشته، پیوند سلول‌های بنیادی خونساز، نقش مؤثری در درمان بیماری‌های مختلف به ویژه بدخیمی‌های خونی داشته است، اما محدودیت در یافتن منبع سلولی مناسب، این روش درمانی را با چالش مواجه کرده است. اگر چه سال‌ها، مغز استخوان و خون محیطی به عنوان دو منبع اصلی سلول‌های بنیادی خونساز برای پیوند به شمار می‌آمدند، اما محدودیت این منابع سبب شد تا منبع دیگری مد نظر قرار گیرد و بدین ترتیب استفاده از سلول‌های بنیادی خونساز خون بند ناف (UCB، Umbilical Cord Blood) مطرح گردید (۱). علی‌رغم مزایای زیاد این منبع سلولی که از آن جمله می‌توان به جمع‌آوری راحت و غیر تهاجمی و کاهش بروز واکنش پیوند علیه میزبان اشاره کرد، میزان کم سلول‌های بنیادی خونساز موجود در یک نمونه خون بند ناف اهدایی، مهم‌ترین فاکتور محدود کننده استفاده از این منبع سلولی به ویژه در گیرندگان بزرگسالان می‌باشد به طوری که تعداد کم سلول‌های پیوند شده، جوابگوی نیاز بیمار برای تولید سلول‌های خونی نبوده و در مواردی تعداد نوتروفیل‌ها و پلاکت‌های تولید شده حتی بعد از گذشت ماه‌ها از پیوند، به تعداد مورد نیاز نرسیده است که این امر ممکن است منجر به افزایش عفونت و حتی مرگ گیرنده شود (۲، ۳).

طی سال‌های اخیر استراتژی‌های مختلفی برای تکثیر این سلول‌ها به منظور افزایش تعداد اولیه آن‌ها برای پیوند مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به تکثیر این سلول‌ها، در محیط دو بعدی کشت همراه با فاکتورهای رشد مختلف و یا کشت توام این سلول‌ها با سلول‌های مزانشیمی به عنوان فیدر، اشاره کرد (۴). اما تکثیر بدون تمایز سلول‌های بنیادی خونساز در محیط دو بعدی کشت، با چالش جدی روبرو می‌باشد و این سلول‌ها در محیط دو بعدی کشت، در عدم همراهی آشیانه (نیچ) طبیعی خود به سرعت تمایز یافته و خصوصیات بنیادی خود را از دست می‌دهند (۵). عدم موفقیت تکثیر سلول‌های بنیادی خونساز در محیط دو بعدی کشت به دلیل نبود نیچ یا ریز محیط مناسب، محققان را بر آن داشت که به شبیه‌سازی ساختار نیچ در محیط آزمایشگاه بپردازند (۶، ۷). از آن جایی که

سلول‌های بنیادی مزانشیمی یکی از مهم‌ترین سلول‌های تشکیل‌دهنده نیچ می‌باشند، از این سلول‌ها برای کشت توام استفاده گردید (۸). اگر چه نتایج این مطالعه‌ها نشان از بهبود نسبی پیوند در مطالعه‌های بالینی دارد، اما این مقدار بهبود، چشمگیر نبوده و حاکی از عدم موفقیت این روش می‌باشد (۹، ۱۰). از دیگر راه‌کارها جهت افزایش تعداد سلول‌های بنیادی خونساز خون بند ناف، می‌توان به پیوند دو یا چند کیسه خون بند ناف اشاره کرد که اگر چه مشکل تعداد کم سلول را بر طرف خواهد کرد اما با مشکلات دیگری از جمله عدم تطابق کامل آنتی‌ژن‌های سازگار نسجی بین کیسه‌های پیوندی و گیرنده و افزایش امکان رد پیوند همراه می‌باشد (۱۱، ۱۲). بنابراین افزایش تعداد سلول‌های مفید برای خونسازی در صورتی موفق خواهد بود که سلول‌های اضافه شده از همان منبعی باشند که خون بند ناف از آن استحصال شده است. یکی از منابعی که می‌تواند به عنوان منبع مکمل سلول‌های خون بند ناف مورد توجه قرار گیرد، بافت جفت می‌باشد. بافت جفت دارای بافت همبند متراکم بوده و مملو از عروق می‌باشد. هر چند که مطالعه‌های کمی مبنی بر وجود سلول‌های خونساز در بافت جفت وجود دارد اما وجود این سلول‌ها در جفت موش و اخیراً در جفت انسان مورد مطالعه قرار گرفته است (۱۳، ۱۴). در این مطالعه سعی شد که کمیت و کیفیت سلول‌های بنیادی خونساز و هم چنین مزانشیمی موجود در بافت جفت انسانی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

جداسازی سلول از بافت جفت به روش آنزیمی:

در این مطالعه که به صورت تجربی انجام گرفت، بافت جفت اهدایی از ۵ دهنده مورد بررسی قرار گرفت. این نمونه‌ها از بیمارستان میلاد و با گرفتن رضایت‌نامه کتبی تهیه گردید. مقدار ۲۰ گرم از بافت جفت در شرایط کاملاً استریل گرفته شده و در لوله فالكون حاوی PBS و آنتی‌بیوتیک پنی‌سیلین و استرپتومایسین ریخته شد. از این بافت میزان ۵ گرم جدا شده، با تیغ به قطعات خیلی ریز تقسیم شد. سه بار با PBS شسته شده و به آن ۵۰ میلی‌لیتر کلاژناز تیپ IV به میزان ۰/۱٪ (وزنی - حجمی) اضافه

بیوساینس - آمریکا تهیه شد). سپس این لوله‌ها در دمای یخچال به مدت ۳۰ دقیقه انکوبه و بعد از سانتریفیوژ و دور ریختن مایع رویی، ۱۰۰ میکرولیتر از محلول پارافرم آلدئید ۱٪ به آن اضافه گردید و در نهایت توسط دستگاه فلوسایتومتری مورد ارزیابی قرار گرفت.

۲- بررسی قدرت تولید کلونی‌های خونساز:

به منظور بررسی وجود سلول‌های بنیادی هماتوپوئیتیک با پتانسیل تولید رده‌های مختلف خونی، پس از زدن کلاژناز، عبور از قیف و اضافه کردن بافر لیزکننده، 2×10^5 سلول با ۱ میلی‌لیتر محیط نیمه جامد متیل سلولز (Stem cell technology، Methocult H4435) و آمریکا) مخلوط و در دمای اتاق به درون چاهک‌های 35 mm^2 ریخته شدند و برای ۱۴ روز در انکوباتور ۳۷ درجه سانتی‌گراد و ۵٪ CO_2 قرار گرفتند. پس از این زمان، کلونی‌ها به کمک میکروسکوپ لوپ (ژاپن، نیکون) بررسی و شمارش شد.

بررسی وجود سلول‌های بنیادی مزانشیمی در سلول‌های حاصل از جفت:

به منظور بررسی وجود سلول‌های بنیادی مزانشیمی از سلول‌های حاصل از بافت جفت، این سلول‌ها در فلاسک ۲۵ سانتی‌متر مربع ریخته شده و به آن محیط DMEM غنی شده با ۱۰٪ FBS اضافه شد (هر دو از BRL، Grand Island، NY، آمریکا جیبکو) و در انکوباتور ۳۷ درجه سانتی‌گراد و ۵٪ CO_2 قرار گرفت. پس از ۲۴ ساعت، تمامی سلول‌های غیر چسبنده حذف و دوباره محیط کشت اضافه شد و بعد از آن هر سه روز یک بار تعویض محیط انجام شد. پس از مشاهده کلنی‌های سلولی، سلول‌ها به کمک آنزیم تریپسین از کف فلاسک جدا شده و به فلاسک‌های بزرگ‌تر منتقل شدند و بعد از پاساژ سوم سلول‌های حاصل از نظر مارکرهای سطحی و قدرت تمایزی مورد بررسی قرار گرفتند.

۱- بررسی مارکرهای سطحی:

برای بررسی مارکرهای سلول‌های بنیادی مزانشیمی،

گردید. این محلول به مدت ۲ ساعت در انکوباتور ۳۷ درجه سانتی‌گراد قرار گرفت. سپس محلول فوق از گاز عبور داده شده و سوسپانسیون عبوری، ۲ بار با PBS شسته شد (آنزیم و سایر مواد از جیبکو، آمریکا). پس از شستشو، به منظور حذف یاخته‌های سرخ از سوسپانسیون سلولی، از بافر لیزکننده یاخته‌های سرخ استفاده گردید. ابتدا پلیت سلولی در ۱ میلی‌لیتر PBS به صورت سوسپانسیون درآمده، به آن ۴ میلی‌لیتر محلول لیزکننده یاخته‌های سرخ اضافه گشت و به مدت ۵ دقیقه در دمای ۵ درجه سانتی‌گراد قرار گرفت. در نهایت این محلول با PBS شسته شد. بعد از این مرحله، توده سلولی سفید رنگی پدید آمد.

شمارش سلولی و بررسی درصد زنده بودن سلول‌ها:

برای شمارش سلولی و تعیین درصد سلول‌های زنده، از رنگ تریپان‌بلو استفاده گردید. به این ترتیب که سلول و رنگ به میزان مساوی با یکدیگر مخلوط شده، سپس به کمک لام هماسیتومتر، تعداد کل سلول‌ها و درصد سلول‌های زنده شمارش گردید.

هم چنین درصد سلول‌های زنده با استفاده از رنگ PI (بیوساینس - آمریکا) و با روش فلوسایتومتری نیز ارزیابی گردید.

بررسی وجود سلول‌های بنیادی هماتوپوئیتیک در سلول‌های حاصل از جفت:

۱- بررسی مارکرهای سطحی:

به منظور بررسی مارکرهای سطحی، سوسپانسیون سلولی حاوی ۲۰۰۰۰۰ سلول در ۵۰ میکرولیتر آلبومین سرم گاوی تهیه و سپس به هر یک از لوله‌ها، ۵ میکرولیتر آنتی‌بادی مورد نظر و یا آنتی‌بادی ایزوتایپ کنترل اضافه شد. این مارکرها شامل CD34، CD133 و CD117 و کونزوگه با PE (Phyco Erythrin) و مارکرهای CD45 و CD38 کونزوگه با FITC (Fluorescein Iso Thio Cyanate) بود.

هم چنین از آنتی‌بادی FITC-IgG1 و PE-IgG1 به عنوان کنترل منفی استفاده گردید (تمامی آنتی‌بادی‌ها از شرکت

کوچک توسط تیغ و استفاده از آنزیم مطلوب می‌باشد.

بافت جفت حاوی سلول‌هایی با مارکرهای سلول‌های بنیادی خونساز است:

آنالیز فلوسایتومتری سلول‌های حاصل از بافت جفت بلافاصله پس از جداسازی این سلول‌ها صورت گرفت و این سلول‌ها از نظر مارکرهای رده خونی شامل CD34، CD45، CD117، CD133، CD117 مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حکایت از آن داشت که در ۵ نمونه، $0/8 \pm 4/78\%$ سلول‌ها $CD34^+CD45^+$ ، $0/6 \pm 1/02\%$ سلول‌ها $CD34^+CD38^+$ ، $1/1 \pm 2/1\%$ سلول‌ها $CD133^+CD45^+$ و $0/5 \pm 1/16\%$ سلول‌ها $CD117^+CD45^+$ می‌باشند.

همچنین از سلول‌های حاصل از جفت، $0/6 \pm 6/02\%$ $CD34^+$ ، $0/8 \pm 14/14\%$ $CD133^+$ و $0/4 \pm 2/01\%$ $CD117^+$ بودند. طبق شکل ۱ که در آن نتایج یک نمونه از ۵ نمونه انجام شده دیده می‌شود، بیان مارکرها بر روی سلول‌های بنیادی حاصل از جفت به شرح ذیل می‌باشد: $CD34^+CD45^+$ ($0/53\%$)، $CD34^+CD38^+$ ($0/23\%$)، $CD133^+CD45^+$ ($0/24\%$) و $CD117^+CD45^+$ ($0/77\%$).

سلول‌های بنیادی خونساز حاصل از جفت پتانسیل تمایز به رده‌های مختلف خونی را دارند:

نتایج سنجش کلونی نیز نشان از آن داشت که این سلول‌ها توانایی تشکیل تمامی انواع کلونی‌های خونساز شامل CFU-E، CFU-GM، CFU-GEMM را دارا می‌باشند.

همان طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، کلونی‌های خونساز اریترویدی (CFU-E) در سمت چپ شکل، کلونی‌های خونساز مخلوط (CFU-GEMM) در بخش میانی شکل و کلونی‌های میلوئیدی-مونوسیتی (CFU-GM) در سمت راست شکل دیده می‌شوند.

میزان تشکیل این کلونی‌ها به ترتیب 2 ± 16 (CFU-E)، 3 ± 18 (CFU-GM) و 2 ± 7 (CFU-E) — به ازای $10^5 \times$ سلول مشتق شده از بافت جفت بود (نمودار ۱).

سلول‌ها در پاساژ سوم، با تریپسین از کف فلاسک جدا شده و سوسپانسیون سلولی حاوی 200000 در آلبومین سرم گاوی تهیه شد. از این سوسپانسیون در چند لوله هر کدام به میزان 50 میکرولیتر ریخته شده و به هر یک از آن‌ها 5 میکرولیتر آنتی‌بادی مورد نظر شامل CD34، CD105، CD73، CD166 (کونژوگه با PE) و CD45، CD90 و CD29 (کونژوگه با FITC) اضافه شد. از آنتی‌بادی‌های FITC-IgG1 و PE-IgG1 نیز به عنوان کنترل منفی استفاده گردید.

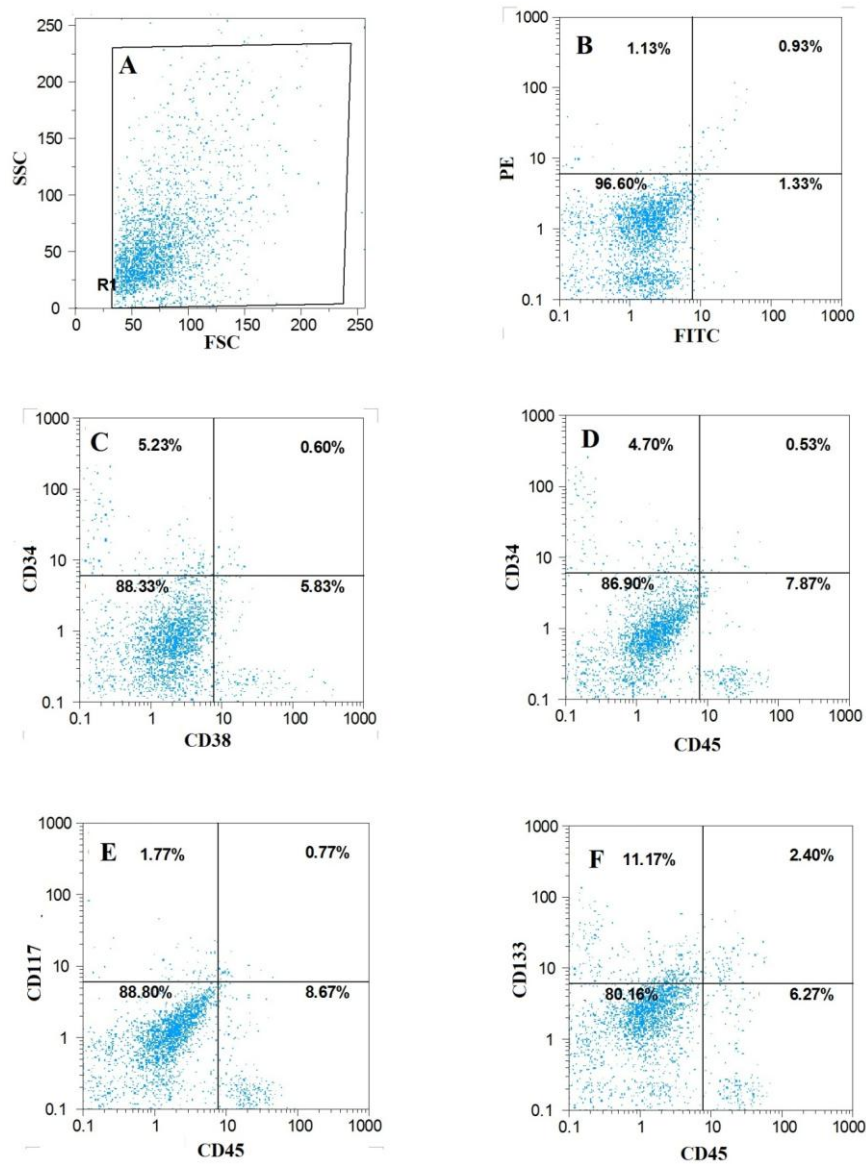
۲- بررسی پتانسیل تمایز به استخوان و چربی:

در پاساژ سوم، پتانسیل تمایز این سلول‌ها به دو رده چربی و استخوان نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. برای بررسی توانایی تمایز، تعداد 20000 سلول به هر چاهک پلیت ۴ خانه منتقل و بعد از اتصال آن‌ها به کف، محیط القاکننده به رده استخوانی و چربی به آن اضافه شد و هر سه روز یک بار و به مدت ۲۱ روز با این محیط‌ها تعویض محیط شد. محیط تمایزی چربی شامل دگزامتازون (250 نانومولار) و 3 ایزوبوتیل، 1 - متیل گزانتین ($0/5$ میلی‌مولار)، محیط تمایزی استخوان شامل اسید اسکوربیک (50 میکروگرم در لیتر)، دگزامتازون (100 نانومولار) و بتا گلیسرول فسفات (10 میلی‌مولار) می‌باشد. برای بررسی تمایز بعد از گذشت دوره ۲۱ روزه، سلول‌ها در کف فلاسک با پارافرم‌الدهید 4% فیکس، سپس از رنگ آلیزارین رد برای بررسی وجود رسوب کلسیم در تمایز استخوان و از رنگ اوایل رد برای بررسی قطرات چربی داخل سلولی در تمایز چربی استفاده شد و با میکروسکوپ مورد مشاهده قرار گرفت.

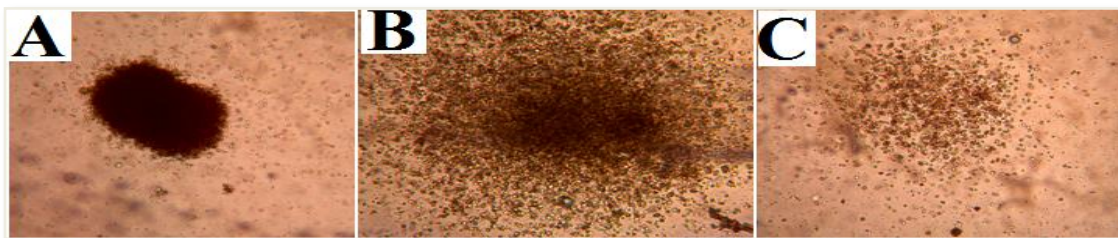
یافته‌ها

با روش آنزیمی می‌توان تعداد قابل توجهی از سلول‌های تک هسته‌ای زنده را از بافت جفت جدا کرد:

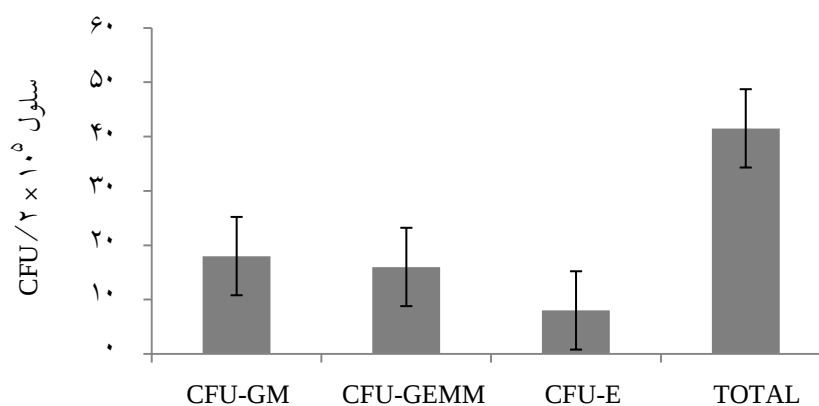
شمارش سلولی با تریپان‌بلو حکایت از آن داشت که 3 ± 90 سلول حاصل از هضم آنزیمی بافت جفت زنده می‌باشند. این درصد با رنگ PI به 2 ± 89 درصد رسید. این درصد با توجه به تقسیم کردن بافت به قطعات



شکل ۱: مارکرهای سطحی سلول‌های بافت جفت. سلول‌های به دست آمده از بافت جفت، بلافاصله پس از جداسازی از نظر مارکرهای سلول‌های بنیادی خونساز مورد بررسی قرار گرفتند. (A: جمعیت بررسی شده B: کنترل منفی C: CD34CD38 (D, CD45, CD34 (E: سلول‌های بنیادی خونساز مورد بررسی قرار گرفتند. (F: CD45, CD133 (G: CD45, CD117

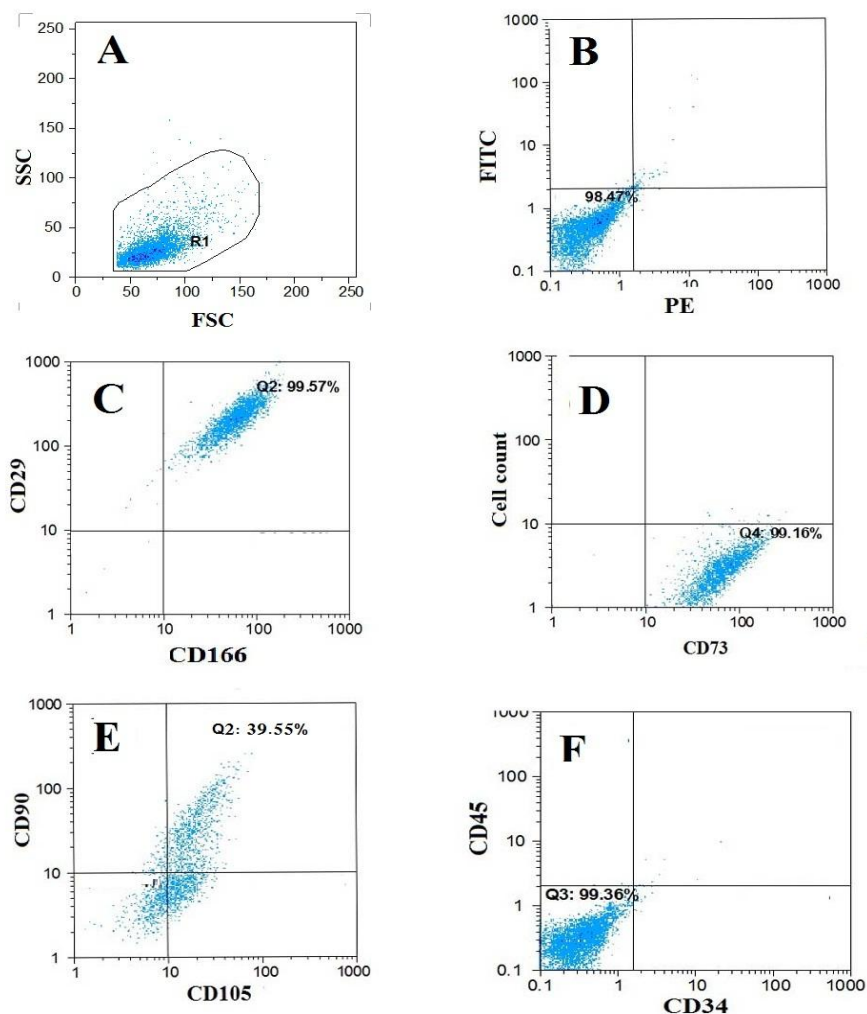


شکل ۲: توانایی سلول‌های جفت در تشکیل کلنی‌های مختلف خونساز (A) کلنی‌ها دارای سلول‌های اریتروئید (CFU-E) ، (B) کلنی‌ها دارای سلول‌های مخلوط میلوئید، اریتروئید و مگاکاریوسیت (CFU- GEMM) ، (C) کلنی‌ها دارای سلول‌های میلوئید- منوسیت (CFU- GM) بزرگ‌نمایی ۱۰۰ میکرومتر

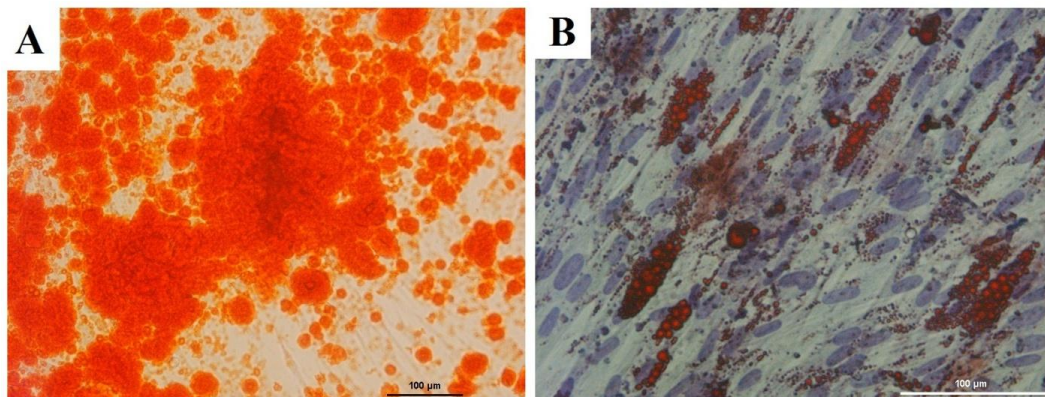


کلونی‌های مختلف خونساز

نمودار ۱: میانگین تعداد کلونی‌های مختلف خونساز مشتق شده از سلول‌های بافت جفت



شکل ۳: مارکرهای سطحی سلول‌های چسبنده بافت جفت. سلول‌های چسبنده پس از پاساژ سوم از نظر مارکرهای مثبت و منفی مزانشیمی مورد بررسی قرار گرفتند. (A): جمعیت بررسی شده (B): کنترل منفی، (C): CD29، CD166، (D): CD73، (E): CD90، CD105، (F): CD34 و CD45



شکل ۴: سلول‌های چسبنده جدا شده از بافت جفت توانایی تمایز به استخوان و چربی را دارا می‌باشند. (A) تمایز به رده استخوانی که از طریق رسوب کلسیم رنگ شده با alizarin red مشخص شده است. (B) تمایز به رده چربی که از طریق گرانول‌های چربی رنگ شده با oil red مشخص شده است.

رنگ‌آمیزی به رنگ قرمز مشاهده می‌شوند و همان طور که در شکل ۴ سمت چپ (A) دیده می‌شود، در پایان دوره تمایز سطح پلیت کاملاً با رسوب قرمز رنگ پوشیده شد که حاکی از تمایز این سلول‌ها به رده استئوبلاستی می‌باشد. در بررسی پتانسیل تمایزی این سلول‌ها به رده چربی، پس از اضافه کردن محیط تمایز چربی، از روز پنجم واکوئل‌های چربی در سیتوپلاسم سلول‌ها مشاهده و همان طور که در شکل ۴ سمت راست (B) دیده می‌شود، در پایان دوره تمایز واکوئل‌های چربی تشکیل شده در این سلول‌ها، با رنگ‌آمیزی oil red به رنگ قرمز دیده شدند.

بحث

از آنجایی که میزان کم سلول‌های بنیادی خونساز موجود در یک نمونه خون بند ناف، مهم‌ترین فاکتور محدود کننده استفاده از این منبع در پیوند می‌باشد، یافتن منبع دیگری از سلول‌های بنیادی خونساز که بتواند به عنوان مکمل سلول‌های خون بند ناف این کمبود را جبران کند، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از منابعی که می‌تواند در این راستا مورد توجه قرار گیرد، بافت جفت می‌باشد. اگر جفت منبعی از سلول‌های بنیادی خونساز عملکردی باشد، پیوند هم زمان سلول‌های آن به همراه سلول‌های خون بند ناف خواهد توانست مشکلات ناشی از کمبود سلول‌های بنیادی خونساز خون بند ناف را مرتفع نماید. لذا

بافت جفت حاوی سلول‌های بنیادی مزانشیمی است:

بعد از برداشت سلول‌های غیر چسبنده در روز اول پس از کشت، تعداد کمی سلول چسبنده به کف فلاسک مشاهده گردید. اگر چه تعداد این سلول زیاد نبود اما رفته رفته تکثیر شده و فلاسک را پر کردند. این سلول‌ها پتانسیل تکثیری خود را تا پاساژ ۲۰ در طول مدت سه ماه حفظ کردند. برای تایید ماهیت این سلول‌ها، پانلی از مارکرهای مثبت و منفی مشخص شده برای سلول‌های بنیادی مزانشیمی انتخاب شد. آنالیز فلوسایتومتری در ۵ نمونه نشان داد که این سلول‌ها برای مارکرهای $(0/5) \pm$ ، $CD73 (99 \pm 1)$ ، $CD166 (99 \pm 1)$ ، $CD29 (99 \pm 1)$ ، $CD90 (43 \pm 5)$ مثبت و برای $CD105 (69 \pm 5)$ ، $CD45 (0/5 \pm 0/4)$ و $CD34 (0/6 \pm 0/3)$ منفی می‌باشند. طبق شکل ۳ که در آن نتایج یک نمونه از ۵ نمونه انجام شده دیده می‌شود، $99/57$ سلول‌ها $CD29$ مثبت (C)، $99/16$ سلول‌ها $CD73$ مثبت (D)، $39/55$ سلول‌ها $CD105$ ، $CD90$ مثبت (E) و $99/36$ سلول‌ها از نظر مارکرهای خونسازی مانند $CD34$ و $CD45$ منفی (F) می‌باشند.

هم چنین در بررسی پتانسیل تمایزی این سلول‌ها به رده استخوانی، بعد از اضافه کردن محیط القایی، تقریباً از روز دهم کریستال‌های کلسیم با رنگ‌آمیزی اختصاصی آلیزارین رد مشاهده شد. کریستال‌های کلسیم تشکیل شده با این

در این مطالعه سعی شد که امکان جداسازی سلول‌های بنیادی خونساز و مزانشیمی مناسب برای پیوند از بافت جفت انسانی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج حکایت از آن داشت که سلول‌های به دست آمده از بافت جفت دارای سلول‌های پیش ساز بالغ خونساز $CD34^+ CD38^-$ و پیش‌ساز نابالغ خونساز $CD34^+ CD38^+$ بودند. $0/6 \pm 0/02\%$ سلول‌ها $CD34^+$ و $0/8 \pm 0/04\%$ آن‌ها $CD34^+ CD38^-$ بودند. هم‌چنین سلول‌های این بافت، سایر مارکرهای سلول‌های بنیادی خونساز شامل $CD133$ ($0/8 \pm 0/14\%$) و $CD117$ ($0/4 \pm 0/21\%$) را نیز بیان کردند. این سلول‌ها توانایی تشکیل تمامی کلون‌های خونساز را دارا بودند. توانایی تشکیل کلون‌های خونساز در کشت از مهم‌ترین خصوصیات سلول‌های بنیادی خونساز برای پیوند می‌باشد. هم‌چنین کشت این سلول‌ها و بررسی مارکرها و قدرت تمایزی آن‌ها نشان داد که این بافت دارای سلول‌های بنیادی مزانشیمی نیز می‌باشد. این نتایج با نتایج مطالعه‌های قبلی در این زمینه هم‌خوانی دارد به طوری که نقش حمایتی بافت جفت در تکثیر سلول‌های بنیادی خونساز ابتدا در سال ۲۰۰۳ توسط آلوارز سیلوا مطرح گردید (۱۵). سپس گکاس و همکارانش نشان دادند که سلول‌های خونساز C-Kit⁺ و $CD34^+$ در سطح جنینی جفت موش وجود داشته و احتمال این که بافت جفت به همراه کبد، منبع اولیه تولید سلول‌های بنیادی خونساز مغز استخوان باشند را مطرح کردند (۱۳). پس از آن روبین و همکارانش وجود این سلول‌ها را در جفت انسان مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که این بافت از ۶ هفتهگی دارای سلول‌های بنیادی خونساز بوده و این سلول‌ها توانایی بازگرداندن خونسازی را در موش‌های اشعه دیده دارا می‌باشند (۱۴). آن‌ها هم‌چنین درصد سلول‌های $CD34^+ CD38^-$ موجود در بافت جفت به همراه عروق آن را $0/2 \pm 0/16\%$ اعلام کردند. نتایج حاصل از مطالعه ما نشان داد که درصد سلول‌های $CD38^-$ و $CD34^+$ بافت جفت $0/8 \pm 0/47\%$ می‌باشد که این عدد افزایش تقریبی ۲/۹ برابری این سلول‌ها نسبت به مطالعه روبین و همکارانش را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که علت این اختلاف، در روش جداسازی سلول‌ها از بافت جفت باشد.

روبین و همکارانش بافت جفت را تحت تاثیر کلاژناز قرار داده و پس از استفاده از فایکول برای حذف یاخته‌های سرخ، سلول‌های تک هسته‌ای حاصل از آن را از نظر وجود درصد سلول‌های $CD38^- CD34^+$ مورد بررسی قرار دادند اما از آن جایی که امکان حذف تعدادی از سلول‌های بنیادی توسط فایکول وجود دارد، در مطالعه حاضر از بافر لیزکننده برای حذف یاخته‌های سرخ استفاده شده و پس از این مرحله سلول‌های حاصل از آن، از نظر درصد سلول‌های $CD38^- CD34^+$ بررسی شدند.

درصد بالای سلول‌های $CD38^- CD34^+$ موجود در بافت جفت و هم‌چنین بیان سایر مارکرهای سلول‌های بنیادی خونساز شامل $CD133$ و $CD117$ که در سلول‌های بنیادی خونساز مغز استخوان هم بیان می‌شود، نشان‌دهنده وجود سلول‌های بنیادی خونساز عملکردی در این بافت می‌باشد و لذا احتمالاً بافت جفت با داشتن سلول‌های بنیادی خونساز می‌تواند به عنوان منبع سلولی مکمل در پیوند سلول‌های بنیادی خونساز خون بند ناف مد نظر قرار گیرد. این احتمال وجود دارد که با استفاده از این راه‌کار، تعداد اولیه سلول‌های بنیادی خونساز خون بند ناف افزایش یابد و از آن جا که جفت و خون بند ناف از یک دهنده هستند، مسایل مطرح در استفاده از دو یا چند کیسه خون بند ناف از قبیل بروز GVHD از بین خواهد رفت. از طرفی بافت جفت دارای سلول‌های بنیادی مزانشیمی نیز می‌باشد که این سلول‌ها نقش مهمی در حمایت از خونسازی دارند (۱۶). این سلول‌ها به رده‌های مختلف سلول‌های استرومایی تشکیل‌دهنده نیچ تمایز یافته، بستر و یا آشیانه مناسبی را در مغز استخوان فرد گیرنده ایجاد کرده و شرایط را برای لانه‌گزینی و فعالیت سلول‌های خونساز پیوند شده فراهم می‌کنند (۱۷).

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگر سلول‌های مزانشیمی مشتق از جفت به همراه سلول‌های بنیادی خونساز جفت و خون بند ناف پیوند شوند، احتمالاً نیاز گیرنده به سلول خونساز را با حمایت از خونسازی کاهش داده و به این ترتیب سلول‌های مزانشیمی پیوند شده ممکن است به صورت غیر مستقیم در خونسازی و موفقیت پیوند نقش داشته باشند.

نتیجه گیری

سلول‌های بنیادی جفت و فریز آن‌ها به همراه سلول‌های خون بند ناف، می‌تواند استراتژی جدید بانک‌های خون بند ناف در رفع محدودیت فراوانی کم سلول‌های ذخیره شده از یک نمونه باشد.

تعداد قابل توجه سلول‌های $CD34^+ CD38^-$ ، توانایی تشکیل انواع کلونی‌های خونساز و وجود سلول‌های بنیادی مزانشیمی در بافت جفت نشان می‌دهد که این بافت احتمالاً می‌تواند به عنوان منبع مکمل سلول‌های بنیادی خونساز در پیوند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین استخراج

References:

- 1- Pelosi E, Castelli G, Testa U. Human umbilical cord is a unique and safe source of various types of stem cells suitable for treatment of hematological diseases and for regenerative medicine. *Blood Cells Mol Dis* 2012; 49(1): 20-8.
- 2- Barcena A, Muench MO, Kapidzic M, Gormley M, Goldfien GA, Fisher SJ. Human placenta and chorion: potential additional sources of hematopoietic stem cells for transplantation. *Transfusion* 2011; 51 Suppl 4: 94S-105S.
- 3- Gluckman E, Ruggeri A, Volt F, Cunha R, Boudjedir K, Rocha V. Milestones in umbilical cord blood transplantation. *Br J Haematol* 2011; 154(4): 441-7.
- 4- Zandstra PW, Conneally E, Petzer AL, Piret JM, Eaves CJ. Cytokine manipulation of primitive human hematopoietic cell self-renewal. *Proc Natl Acad Sci U S A* 1997; 94(9): 4698-703.
- 5- Dahlberg A, Delaney C, Bernstein ID. *Ex vivo* expansion of human hematopoietic stem and progenitor cells. *Blood* 2011; 117 (23): 6083-90.
- 6- Hackney JA, Charbord P, Brunk BP, Stoeckert CJ, Lemischka IR, Moore KA. A molecular profile of a hematopoietic stem cell niche. *Proc Natl Acad Sci USA* 2002; 99(20): 13061-6.
- 7- Zhang J, Niu C, Ye L, Huang H, He X, Tong WG, *et al.* Identification of the haematopoietic stem cell niche and control of the niche size. *Nature* 2003; 425(6960): 836-41.
- 8- McNiece I, Harrington J, Turney J, Kellner J, Shpall EJ. *Ex vivo* expansion of cord blood mononuclear cells on mesenchymal stem cells. *Cytotherapy* 2004; 6(4): 311-7.
- 9- Li N, Feugier P, Serrurier B, Latger-Cannard V, Lesesve JF, Stoltz JF, *et al.* Human mesenchymal stem cells improve *ex vivo* expansion of adult human $CD34^+$ peripheral blood progenitor cells and decrease their allo stimulatory capacity. *Exp Hematol* 2007; 35(3): 507-15.
- 10- Kelly SS, Sola CB, de Lima M, Shpall E. *Ex vivo* expansion of cord blood. *Bone Marrow Transplant* 2009; 44(10): 673-81.
- 11- Sideri A, Neokleous N, Brunet De La Grange P, Guerton B, Le Bousse Kerdilles MC, Uzan G, *et al.* An overview of the progress on double umbilical cord blood transplantation. *Haematologica* 2011; 96(8): 1213-20.
- 12- Barker JN, Weisdorf DJ, DeFor TE, Blazar BR, McGlave PB, Miller JS, *et al.* Transplantation of 2 partially HLA-matched umbilical cord blood units to enhance engraftment in adults with hematologic malignancy. *Blood* 2005; 105(3): 1343-7.
- 13- Gekas C, Dieterlen-Lievre F, Orkin SH, Mikkola HK. The placenta is a niche for hematopoietic stem cells. *Dev Cell* 2005; 8(3): 365-75.
- 14- Robin C, Bollerot K, Mendes S, Haak E, Crisan M, Cerisoli F, *et al.* Human placenta is a potent hematopoietic niche containing hematopoietic stem and progenitor cells throughout development. *Cell Stem Cell* 2009; 5: 385-95.
- 15- Alvarez-Silva M, Belo-Diabangouaya P, Salaun J, Dieterlen-Lievre F. Mouse placenta is a major hematopoietic organ. *Development* 2003; 130(22): 5437-44.
- 16- Muguruma Y, Yahata T, Miyatake H, Sato T, Uno T, Itoh J, *et al.* Reconstitution of the functional human hematopoietic microenvironment derived from human mesenchymal stem cells in the murine bone marrow compartment. *Blood* 2006; 107(5): 1878-87.
- 17- Quesenberry PJ. Stromal cells in long-term bone marrow cultures. In: Tavassoli M. *Handbook of the Hematopoietic Microenvironment*. Clifton, NJ: Humana Press; 1989. p. 253-85.

Original Article

Isolation and characterization of hematopoietic and mesenchymal stem cells derived from human placenta tissue

Omidkhoda A.¹, Kaviani S.¹, Soleimani M.¹, Nikougoftar M.², Atashi A.¹, Ahmadbeigi N.³, Jamali M.², Nakhlestani M.²

¹Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

²Blood Transfusion Research Center, High Institute for Research and Education in Transfusion Medicine, Tehran, Iran

³Digestive Disease Research Institute, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran

Abstract

Background and Objectives

The low frequency of hematopoietic stem cells in umbilical cord blood is the main factor of its application to be restricted for transplantation. If hematopoietic and mesenchymal stem cells of placenta can be isolated and transplanted with cord blood cells, the problem of cell dose limitation will be solved due to increase in the number of primary hematopoietic stem cells and homing of cells through mesenchymal stem cells. Thus in this study, we tried to isolate the maximum number of hematopoietic and mesenchymal stem cells from placenta by enzymatic methods and evaluate their properties.

Materials and Methods

Five different placenta tissues were treated with collagenase and their red blood cells were omitted with the lysis buffer; then, the remaining cells were studied for the presence of hematopoietic and mesenchymal stem cells.

Results

The result showed that 6.02 ± 0.6 and 4.78 ± 0.8 percent of isolated cells were CD34⁺ and CD34⁺ together with CD38⁻, respectively. These cells having generated all hematopoietic lineages and adherent stromal cells with the property of mesenchymal stem cells were obtained from the culture of placenta cells.

Conclusions

The presence of a remarkable number of CD34⁺ cells and mesenchymal stem cells in placenta tissue showed that transplantation of these cells with umbilical cord blood cells can increase the quality of transplantation.

Key words: Placenta, Hematopoietic Stems Cells, Mesenchymal Stem Cells

Received: 13 Jul 2013

Accepted: 5 Nov 2013

Correspondence: Kaviani S., PhD of Hematology. Associate Professor of Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University.

P.O.Box: 14115-331, Tehran, Iran. Tel: (+9821) 82883832; Fax: (+9821) 82884507.

E-mail: kavianis@modares.ac.ir